



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمدی

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

اڙپاڙ سڀا بيڙيم بگو

ترجمہ: حفیظہ عتیقہ



سید جمال الدین خیل بیرون



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از پارسایان برایم بگو (شرح خطبه همام)

نویسنده:

جمال الدین دین پرور

ناشر چاپی:

بنیاد نهج البلاغه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	از پارسایان برایم بگو (شرح خطبه همام)
۶	مشخصات کتاب
۶	خطبه متقین (همام)
۶	مقدمه
۷	همام کیست؟
۷	شرح خطبه متقین
۸	جهان‌بینی الهی
۸	چشم پاک و گوش بر فرمان
۸	خودساختگان عاشق
۸	رابطه متقابل معرفت و اخلاص
۸	از دام اسارت دنیا رستند
۹	قرآن را با همه وجود تلاوت می‌کنند
۹	نماز پرواپیشگان، راز و نیاز خاکسارانه
۹	غفلت و غرور از ساحت آنان بدور است
۱۰	نشانه‌های پرواپیشگان (متقین)
۱۱	توضیحات
۱۱	فرهنگ رزق و روزی
۱۲	تفاوت در روزی
۱۲	ابعاد تقوی در نهج‌البلاغه
۱۵	بعد اجتماعی و سیاسی تقوا
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

از پارسایان برایم بگو (شرح خطبه همام)

مشخصات کتاب

عنوان قرارداد: نهج البلاغه. خطبه همام. فارسی - عربی عنوان و نام پدیدآور: از پارسایان برایم بگو: ترجمه خطبه متقین (همام) / ترجمه و توضیح از جمال‌الدین دین‌پرور، - ۱۳۱۷ مشخصات نشر: تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۴۶ ص. فروست: نهج البلاغه برای جوانان؛ ۱. شابک: ۶۰۰۰ ریال: ۰۵-۶۳۴۸-۹۶۴-X؛ ۹۰۰۰ ریال: چاپ پنجم: ۰-۱۱-۶۳۴۸-۹۶۴-۹۷۸ یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۸. عنوان دیگر: خطبه متقین (همام). موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- خطبه‌ها شناسه افزوده: دین‌پرور، جمال‌الدین، ۱۳۱۷، - مترجم شناسه افزوده: بنیاد نهج البلاغه رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۴۲ ب ۹۲۳۲ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵ شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۴۰۴۴۳

خطبه متقین (همام)

(صفحه ۴) صفحه ۴. مقدمه همام کیست؟ شرح خطبه متقین جهان‌بینی الهی چشم پاک و گوش بر فرمان خودساختگان عاشق رابطه متقابل معرفت و اخلاص از دام اسارت دنیا رستند قرآن را با همه وجود تلاوت می‌کنند نماز پروا پیشگان، راز و نیاز خاکسارانه غفلت و غرور از ساحت آنان بدور است نشانه‌های پروا پیشگان (مقین) توضیحات فرهنگ رزق و روزی تفاوت در روزی -----

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم خطبه‌ی «همام» از خطبه‌های معروف نهج البلاغه است که در آن سیمای پرهیزگاران و ترسیم جمال متقین، از زبان امام امیرالمومنین علی علیه‌السلام بیان شده است. «همام» از یاران زاهد و اهل سیر و سلوک امام بوده است، کلمه‌ی «همام» از ریشه‌ی لغوی «همم» است، بمعنای کسی که تصمیم هر کاری بگیرد آن را به انجام رساند و تا آن را تمام و کمال نکند رها نکند. قبل از مطالعه‌ی این خطبه، لازم است به مطالب ذیل توجه شود: ۱- مساله تقوی از مهمترین و زیربنایی‌ترین مسایل زندگی انسانی است. یعنی تحقق زندگی انسانی بستگی به رعایت این اصول و قواعد دارد، البته باید اعتراف کرد که انسانیت، درجات و مراتب مختلفی دارد و بیانات امام به شاگردشان در سطح والا و عالی است و برای کسانی که در صدد وصول به آن مقصد عالی و حرکت در مسیر کمال‌اند، بهترین راهنماست. ۲- رسیدن به اوج کمال و تقوی، تدریجی است و مرحله به مرحله باید آن را انجام داد، یک‌شبه نمی‌توان به آن قله‌ی رفیع دست یافت، بنابراین عزیزانی که علاقمند به این مسیر معنوی هستند و دل در هوای رسیدن به مقامات متقین و اولیاء الهی را دارند، لازم است زندگی خود را بر اساس یک برنامه‌ریزی دقیق و صحیح تنظیم کرده و در همه‌ی موارد، راه صحیح را پیدا کرده و ادامه دهند تا (صفحه ۵) انشاءالله پس از پیمودن راه و انجام خودسازی، مطابق با دستورات ائمه اطهار (ع)، به سر منزل مقصود نائل شوند. ۳- نقطه‌ی آغاز و مراحل سیر معنوی را باید از مریان وارسته، که خود این راه را طی کرده‌اند، فراگرفت و خودکامه و بی‌راهبر نمی‌توان در این وادی وارد شد و یا از هر کس دستوری گرفت. ۴- در امور تربیتی و خودسازی باید مداومت و استمرار داشت تا روح آدمی به آن جایگاه متعالی صعود کند، با شتاب و عجله به هدف نمی‌توان رسید. ۵- سعی شود که عبادتها با حال، توجه و با احساس شیرینی و لذت انجام شود و از تحمیل و فشار در عبادت خودداری گردد. به عبارت دیگر باید عبادات مستحب کم‌کم و به تدریج صورت گیرد تا عشق به نیایش شیرین‌تر از خواب، در ذائقه جلوه کند. ۶-

باید همواره توجه کرد که خودسازی باعث کناره‌گیری از مردم و انزوا نشود، نعمت‌های دنیا، مخلوق خدا و برای بندگان خداست. ۷- سیر و سلوک نباید انسان را از انجام مسئولیتها و تلاشهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باز دارد. ۸- بعضی از بیانات امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، از نظر سیر و حرکت، مربوط به مقام خلی عالی است که رسیدن بدان مستلزم سیر تدریجی و وصول به مدارج قبلی است. فرد خودساخته که در راه است باید این سیر تدریجی را رعایت کرده و بدون مقدمه وارد مراحل عالی‌تر نگردد. صفحه ۵.

همام کیست؟

«همام»، پسر «شریح» و برادرزاده‌ی «ربیع بن خثیم» است. ربیع یکی از هشت زاهد و پارسای معروف تاریخ و زمان خود است. علامه شهید آیه‌الله مطهری، (صفحه ۶) در کتاب سیری در نهج‌البلاغه، او را از جمله یاران و دوستان امیرمؤمنان علی علیه‌السلام شمرده که دلی سرشار و روحی از آتش معنی شعله‌ور داشت. از کلمات علامه «کراجکی» در کتاب «کنزالفوائد» نیز استفاده می‌شود که «همام» در شمار یاران آن حضرت و در جستجوی دسترسی به مراتب عالی ایمان و تقوی بوده است که از آن چنین یاد کرده است: «و کان عابدا مجتهدا» یعنی او نیایش‌کننده و پرستشگر پرتلاش بود. بنابراین او در راه رسیدن به مقامات معنوی و تهذیب نفس و خودسازی سرمایه‌گذاری کرده و آن را بعنوان هدف اصلی زندگی قرار داده بود. همچنین اصرار و پافشاری او در شناخت و دریافت راه‌های خودسازی و کمال انسانی از حضرت علی علیه‌السلام، قابل ملاحظه و توجه است: «اسالک بالذی اکرمکم اهل البیت و خصکم و حباکم و فضلکم تفضیلا الا انباتنا بصفه شیعتکم» ای امیرمؤمنان! از تو درخواست می‌کنم بحق خداوندی که شما خاندان پیامبر را گرامی داشته و برگزیده و برتری داده است، ما را به صفات شیعیانتان خبر دهید. بر اساس گزارش مورخین، امام علیه‌السلام دست «همام» را گرفت و به مسجد برد و پس از ادای دو رکعت نماز، سخن گفتن را آغاز کرد و همه اینها نشانه‌ی مقام این یار صدیق امام برای بیان معارف و نکات برجسته‌ی خودسازی است که باید برای همه‌ی انسانها در طول تاریخ به یادگار بماند. امید است که مطالعه‌ی دقیق این خطبه، آن روح متعالی را در ما جلوه‌گر ساخته تا بتوانیم @@@ بارقه‌یی از آن مشعل فروزان در مشکوه جانمان بی‌فروزیم. (صفحه ۷) صفحه ۶، ۷.

شرح خطبه متقین

چنین روایت است که یکی از یاران و اصحاب امیرمؤمنان علی علیه‌السلام که «همام» نامیده می‌شد و مردی پارسا و عبادت‌پیشه بود به آنحضرت گفت: ای پیشوای مومنان، سیمای پرواپیشگان و پارسایان را برایم ترسیم فرما، آنچنانکه گویا آنان را می‌بینم. امام علیه‌السلام لختی درنگ کرد و از پاسخ سریع خودداری فرمود و آنگاه گفت: ای همام! اطاعت پروردگار کن و از او پروا دار و به نیکی و نیکوکاری روی آر که خدا با تقوی پیشگان و نیکوکاران است. پاسخ کوتاه امام او را قانع ن ساخت و عطش درونیش همچنان باقی ماند و بدان بسنده نکرد، بطوریکه اصرار بر شنیدن پاسخ کامل، در چهره‌ی او خوانده می‌شد. امام که این آمادگی و عطش را در او دید مهر سکوت شکست و به تفصیل پاسخ خود را با حمد و ستایش الهی و درود بر پیامبر و آل او آغاز کرد: جهان‌بینی الهی چشم پاک و گوش بر فرمان خودساختگان عاشق رابطه متقابل معرفت و اخلاص از دام اسارت دنیا رستند قرآن را با همه وجود تلاوت می‌کنند نماز پرواپیشگان، راز و نیاز خاکسارانه غفلت و غرور از ساحت آنان بدور است نشانه‌های پرواپیشگان (متقین) توضیحات فرهنگ رزق و روزی تفاوت در روزی

جهان بینی الهی

اما بعد، فان الله سبحانه و تعالی خلق الخلق - حين خلقهم - غنيا عن طاعتهم، آمنا من معصيتهم، لانه لا تضره معصيه من عصاه، و لا تنفعه طاعه من اطاعه، فقسم بينهم معایشهم، و وضعهم من الدنيا مواضعهم، فالمتقون فيها هم اهل الفضائل، منطقهم الصواب، و ملبسهم الاقتصاد، و مشیهم التواضع. (صفحه ۸) اما بعد، خداوند سبحان، آنگاه که آفریدگان را می آفرید از طاعتشان بی نیاز بود و از نافرمانیشان در امان، زیرا نافرمانی بندگان، ناچیزتر از آنست که بر آستان باعظمت ربوبی اثر بگذارد و یا زیانی وارد کند، و نیز از اطاعت آنان نفعی عاید او نگردد. خداوند روزی را میان آنان تقسیم کرد و هر یک را از نظر مال و مقام در جایی که هستند، قرار داد. پروا پیشگان در دنیا نمود کامل فضیلت و برتری اند، سخن گفتنشان بهنجار و درست، و لباسشان متعادل و مناسب، نه برده‌ی لباس اند و نه بی رغبت و بی اعتنای بدان، و روش آنان فروتنی است. صفحه ۸. -----

چشم پاک و گوش بر فرمان

غضوا ابصارهم عما حرم الله عليهم و وقفوا اسماعهم على العلم النافع لهم. دیدگانشان را از حرام می پوشانند، و گوشهایشان را بر دانش سودبخش می گشایند و به گوش جان می نیوشند. -----

خود ساختگان عاشق

نزلت انفسهم منهم في البلاء كالتی نزلت في الرخاء، و لو لا الاجل الذی كتب الله لهم لم تستقر ارواحهم في اجسادهم طرفه عين شوقا الى الثواب و خوفا من العقاب. در هنگامه‌ی مصیبت و بلا، چونان زمان نعمت و رفاه، جانشان لبریز از ایمان و آرامش است و اگر نبود اجل مقرر الهی بر آنان، حتی یک لحظه هم جانشان در جسمشان تاب نمی آورد و به عالم قدسی پرواز می کرد، از بس که مشتاق ثواب الهی و ترسان از عذاب خداوندند. (صفحه ۹) صفحه ۹. -----

رابطه متقابل معرفت و اخلاص

عظم الخالق في انفسهم فصغر ما دونه في اعينهم، فهم و الجنه كمن قد رآها فهم فيها منعمون، و هم و النار كمن قد رآها فهم فيها معذبون، قلوبهم محزونه و شرورهم مامونه و اجسادهم نحيفه و حاجاتهم خفيفه و انفسهم عفيفه. عظمت آفریدگار در عمق جانشان شکوفا شده، پس غیر او در دیده‌شان صغیر و حقیر آید، آنان بر قله بلند معرفت و حضور نشسته‌اند، گویا بهشت را می بینند و از آن برخوردارند و نیز شاهد دوزخ و دوزخیان در حال عذابند، دلهاشان غمگانه، زندگیشان مهربانانه، بدنهایشان تکیده و نیازشان خفیف و ساده و جانشان پارسا، -----

از دام اسارت دنیا رستند

صبروا ایاما قصیره اعقبتهم راحه طویله، تجاره یسرها لهم ربهم، ارادتهم الدنيا فلم یريدوها، و اسرتهم ففدوا انفسهم منها. چند روزی

بردباری کنند و در بروی حرام ببنند، ولی راحت و لذت طولانی را به دست آوردند. چه تجارت سودآوری خداوند بر ایشان فراهم آورده است. دنیا به سراغشان رود و با چهره زیبای خود، آنان را به گناه دعوت کند، ولی پارسایان فریب نخورده و به ناز و کرشمه‌ی آن عجزه‌ی هزار داماد، توجه نکنند. دنیا خواسته تا آنان را اسیر کند ولی تقوی پیشگان خود را از دام و چنگال آن آزاد سازند.

قرآن را با همه وجود تلاوت می‌کنند

اما اللیل فصافون اقدامهم تالین لاجزاء القرآن، یرتلونها ترتیلا، (صفحه ۱۰) یحزنون به انفسهم و یستثیرون به دواء دائهم، فاذا مروا بآیه فیها تشویق رکنوا الیها طمعا، و تطلعت نفوسهم الیها شوقا، و ظنوا انها نصب اعینهم و اذا مروا بآیه فیها تخویف اصغوا الیها مسماع قلوبهم، و ظنوا ان زفیر جهنم و شهیقها فی اصول آذانهم. شب هنگام به نماز می‌ایستند، و آیات نورانی قرآن را با همه‌ی وجود زمزمه می‌کنند و در حاله‌ی از حزن مقدس و دنیایی از عرفان و توجه، آن را در کام جانشان می‌ریزند، و آنگاه با نیروی برگرفته از آن به درمان دردهایشان می‌پردازند، آری بزرگترین درد انسان دوری از خدا و اشتغال به غیر اوست. قرآن را می‌خوانند و در آیات نورانی آن تفکر و تدبر می‌کنند و آنگاه که بشارتهای الهی را می‌شنوند، بدان دل می‌بندند و شکوفه‌های شوق بر جانشان می‌دمد، و چنانند چون کسی که بدان دست یازیده و آن را دریافت کرده است. ولی وقتی به آیه‌ی عذاب می‌رسند چنانند که گویا صدای زبانه‌ی آتش و همه‌ی شعله‌های خشنناک جهنم را می‌شنوند. صفحه ۱۰.

نماز پرواپیشگان، راز و نیاز خاکسارانه

فهم حانون علی اوساطهم، مفترشون لجباههم و اکفهم و رکبهم و اطراف اقدامهم یطلبون الی الله تعالی فی فکاک رقابهم. و اما النهار فحلما علماء ابرار اتقیاء، قد براهم الخوف بری القداح، ینظر الیهم الناظر فیحسبهم مرضی و ما بالقوم من مرض، و یقول لقد خولطوا و لقد خالطهم امر عظیم لا یرضون من اعمالهم القلیل و لا یستکثرون الکثیر. پرواپیشگان با همه‌ی وجود نماز می‌گذارند و خضوع و خشوع از رکوعشان هویدا است. پیشانی و دست و پایشان را بر خاک می‌سایند، و خاکسارانه به (صفحه ۱۱) به نیایش روی می‌آورند. از خدا چه می‌خواهند؟ برات آزادی از جهنم را. و اما در روز پرچمدار حلم و علمند، نیکوکار و پارسا، خوف دوری از خدا آنان را زار و نزار کرده، پرخوری و رفاه‌طلبی را وانهاده‌اند و چون عاشقی که یاد معشوق، زندگی آنان شده، در افقی فراتر از خور و خواب و شهوت پرواز می‌کنند. بی‌خبران، وقتی چهره‌ی استخوانی و بدن نحیف آنان را می‌بینند می‌پندارند که بیمارند، در حالی که هیچگونه بیماری ندارند، آری آنان بیمار عشق‌اند. دگر بار از سر جهالت می‌گویند که روانیند. ولی نمی‌دانند که چه خبر است؟ و پرواپیشگان در چه دنیایی از حقایق سیر می‌کنند، یافتنی است گفتنی نیست. افراد باتقوی در گیر امری بزرگ هستند که به کارهای کم خشنود نشوند و همواره درصدد انجام خیرات و خدمات بزرگند ولی کارهای بزرگ و امور عظیم را هم بزرگ و زیاد نبیند و بدان مغرور نشوند. صفحه ۱۱.

غفلت و غرور از ساحت آنان بدور است

فهم لانفسهم متهمون، و من اعمالهم مشفقون، اذا زکی احد منهم خاف مما یقال له، فیقول: انا اعلم بنفسی من غیری، و ربی اعلم منی بنفسی، اللهم لا- تواخذنی بما یقولون، و اجعلنی افضل مما یظنون، و اغفرلی ما لا یعلمون. آنان به نفس خود بدگمانند مبادا

وظائف خود را آنسان که بایسته است انجام نداده باشند، و از کردارشان ترسانند، زیرا ممکن است در اثر غفلت و قصور مورد قبول حقتعالی قرار نگرفته باشد، آنگاه که از آنان تعریف و ستایش شود بر خود می‌ترسند و می‌گویند من از دیگران نسبت به خودم داناترم و خدا به من از خودم آگاهتر است، خدایا از آنچه درباره من می‌گویند بازخواست مفرما، و مرا بهتر از آن، که آنان می‌پندارند قرار ده، و آنچه آنان از گناهانم نمی‌دانند، بیامرز. (صفحه ۱۲) صفحه ۱۲.

نشانه‌های پروا پیشگان (متقین)

۱- فمن علامه احدثهم: انک تری له قوه فی دین توانمندی در دین ۲- و حزما فی لین دوراندیشی با نرمخویی و سازگاری ۳- و ایمانا فی یقین ایمان و اعتقادی در مرحله ی یقین و منزله از شک و تردید ۴- و حرصا فی علم حریص در تحصیل دانش ۵- و علما فی حلم آموخته‌ی دانش و بردباری (که علم و حلم دو بال پروازند) ۶- و قصدا فی غنی میانه‌روی در هنگامه‌ی بی‌نیازی و ثروت ۷- و خشوعا فی عبادت خضوع و خشوع در عبادت ۸- و تجملا فی فاقه آبرومندی، هنگام تنگدستی ۹- و صبرا فی شده صبر و بردباری در بحران سختی ۱۰- و طلبا فی حلال، جستجوگر مال حلال ۱۱- و نشاطا فی هدی پرتحرک و پرتلاش در راه هدایت مردم (صفحه ۱۳) ۱۲- و تحرجا عن طمع دوری از آرز و طمع ۱۳- يعمل الاعمال الصالحه و هو علی وجل انجام کارهای شایسته بدون آلایش به غرور و خودپسندی، و همواره ترسان از عدم پذیرش عبادات. ۱۴- یمسی و همه الشکر و یصبح و همه الذکر، روز را با سرمایه‌ی از شکر به پایان میرد. و صبح را با یاد خدا آغاز می‌کند. ۱۵- یبیت حذرا و یصبح فرحا: حذرا لما حذر من الغفله و فرحا بما اصاب من الفضل و الرحمه و از سوی دیگر، شب را چون غافلان یکدنده نمی‌خوابد، بلکه گاهی لذت شب‌زنده‌داری و ذکر خدا، او را از بستر جدا می‌کند، و این شب‌زنده‌داری نشاط صبحگاهی او را نمی‌گیرد، ترس و نگرانی او از آنست که در دامچاله‌ی غفلت سقوط کند، و از آنکه فضل و رحمت الهی شامل حال او گردد، شادان است. ۱۶- ان استضعبت علیه نفسه فیما تکره لم یعطها سولها فیما تحب اگر چشم‌پوشی از گناهان بر او سخت و سنگین آید، مقاومت می‌کند تا به خواسته‌های نامشروع تن در ندهد و ارزش و شخصیت خود را لکه‌دار نسازد. ۱۷- قره عینه فیما لا- یزول، و زهادته فیما لا- یبقی روشنی چشم او در ماندگاریهاست، یعنی دوراندیشی و جهان‌بینی وسیع او مانع از فریبایی دنیا، و زیباییهای آنست و به خاطر دستیابی به لذتهای زودگذر دنیا، زندگی ابدی خود را تباه نسازد. ۱۸- یمزح الحلم بالعلم و القول بالعمل. بردباری و شکیبایی را با دانش می‌آمیزد و گفتار را با کردار. (صفحه ۱۴) ۱۹- تراه قریبا امله آمال و آرزوی او را کم می‌بینی، و شخصیت او از فرورفتن در رویای طلایی دور است. ۲۰- قلیلا- زللہ لغزش او نیز اندک است. ۲۱- خاشعا قلبه دل او خاشع است و در ترنم دایم یاد خدا و پیوستن به جهان بی‌نهایت. ۲۲- قانعه نفسه انسانی قانع و چشم و دل سیر است. ۲۳- منزورا اکله از پرخوری می‌پرهیزد و اسیر شکم و رفاه‌طلبی نیست. ۲۴- سهلا امره امورات او سهل و ساده می‌گذرد. ۲۵- حریزا دینه دین او محکم و پابرجاست و در برابر سیل خروشان توطئه‌های شیطان و هوای نفس، چون کوه استوار است. ۲۶- میتة شهوته بر شهوات خود مسلط است و بر آن اسب سرکش، لگام تقوی زده است. ۲۷- مکظوما غیظه خشم خود را فرو می‌خورد و بر نیروی غضب خویش مسلط است و می‌داند کجا از آن استفاده کند. ۲۸- الخیر منه مامل از او امید خیر دارند و از شرش در امانند. (صفحه ۱۵) ۲۹- ان کان فی الغافلین کتب فی الذاکرین و ان کان فی الذاکرین لم یکتب من الغافلین اگر در جمع غافلان قرار گیرد از یادآوران خواهد بود و جو را به نفع حق و عدل دگرگون سازد و اگر در جمع یادآوران باشد راه غفلت نیوید و از موقعیت مناسبت سوءاستفاده نکند. ۳۰- یعفو عمن ظلمه و یعطی من حرمه از کسانی که بدو ستم کردند درمی‌گذرد و بر آنکه او را محرم کرده است، دست کرم می‌گشاید. ۳۱- و یصل من قطعه با آن کس که خویشاوندی او را بریده است، صله‌ی رحم می‌کند. ۳۲- بعیدا فحشه لینا قوله ساحت قدس او را از فحش و بدزبانی دور است و

زبانی نرم و مهربانانه دارد. ۳۳- غائبا منکره حاضرا معروفه کار ناپسند از او دیده نشود، بلکه خوبی‌های او زبانه‌زد است. ۳۴- مقبلا خیره مدبرا شره او به کارهای خیر و خوب روی آورد و از شر و بدی بپرهیزد. ۳۵- فی الزلازل وقور در شدائد و سختی‌ها، باستقامت و مقاوم است. ۳۶- و فی المکاره صبور و فی الرخاء شکور در مشکلات، بردبار و در رفاه، سپاسگذار. ۳۷- لا یحیف علی من یبغض و لا- یاثم فیمن یحب بر آنکه خشم گیرد، زیاده روی نکند و دوستی با کسی، او را به گناه نیندازد. ۳۸- یعترف بالحق قبل ان یشهد علیه (صفحه ۱۶) پیش از آنکه «علیه» او شهادت دهند، به حق اعتراف می‌کند. ۳۹- لا یضیع ما استحفظ در امتداری سخت کوش است، سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی روا نمی‌دارد که خیانت است. ۴۰- و لا- ینسی ما ذکر یاد خدا و تحصیل رضایت او، که همواره باید در دیدگاهش باشد، از یاد نمی‌برد. ۴۱- و لا ینابز بالالقباب دیگران را با لقب‌های زشت و ناروا نخواند. ۴۲- و لا یضار بالجار به همسایه ضرر نزند. ۴۳- و لا یشمت بالمصائب مصیبت‌زدگان را شتمت نکند. ۴۴- و لا یدخل فی الباطل و لا یخرج من الحق. در امور لغو و باطل قدم ننهاند، و از چهارچوب حق هم خارج نشود. ۴۵- ان صمت لم یغمه صمته و ان ضحک لم یعل صوته اگر از سخن لب فرو بندد، غمگین نشود که سکوت او مصلحت و مفید است و اگر چهره به خنده بگشاید به قهقهه نرسد. ۴۶- و ان بغی علیه صبر حتی یکون الله هو الذی ینتقم له اگر بر او ستم کنید صبر و دفاع کند ولی انتقام نگیرد و مقابله‌ی بمثل نکند و آن را به خدا واگذارد. ۴۷- نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحه خود را در راه خدا و بندگان او به رنج و تعب اندازد تا مردم از سوی او در راحتی و رفاه باشند. (صفحه ۱۷) ۴۸- اتعب نفسه لآخرته و اراح الناس من نفسه خود را به خاطر آخرتش در رنج نگه می‌دارد، تا دیگران در سایه امنیت و آسایش قرار گیرند. ۴۹- بعده عمن تباعد عنه زهد و نراهه و دنوه ممن دنا منه لین و رحمه. کناره‌گیری او از افراد، برای پاکی و پارسایی است، معاشرت او با دیگران نیز موجب رحمت و مهربانی خواهد بود. ۵۰- لیس تباعد بکبر و عظمه و لا دنوه بمکر و خدیعه. دوری او از مردم بعلت کبر و غرور نیست، همانطور که نزدیک شدن و ارتباط او از مکر و فریب سرچشمه نمی‌گیرد. صفحه ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷.

توضیحات

نظر خوانندگان محترم را به این نکته جلب می‌کند که چون کلام بلند و پرمحتوای امام عارفان و پیشوای پرهیزگاران در اوج علم و عرفان است، لذا جمله‌ها و کلمات آنحضرت، هر کدام کتابی بزرگ است که باید با راهنمایی اساتید و محققان به ابعاد گسترده آن رسید، بنابراین فهم دقیق‌تر بعضی از عبارات خطبه متقین، نیاز به توضیح و بیان ارتباط آنها با سایر معارف دارد که بدانها اشاره شده است، امید است مطالعه‌کنندگان محترم با دقت بیشتر به توضیحات توجه کرده تا مجموعه معارف و همه جوانب آن را دریافت کنند. عناوین توضیحات به شرح زیر است: ۱- فرهنگ رزق و روزی ۲- از دیدگاه مومن (صفحه ۱۸) ۳- درباره بهشت و دوزخ ۴- تقوی و زندگی مادی ۵- مساله خودسازی ۶- تقوی و اخلاق صفحه ۱۸. فرهنگ رزق و روزی تفاوت در روزی -----

فرهنگ رزق و روزی

خداوند برای همه‌ی مخلوقات و بندگان خود اعم از مومن و کافر، انسان و حیوان روزی خاصی مقرر فرموده است: و من عاش فعليه رزقه (۱). عیاله الخلق ضمن ارزاقهم (۲). و لن یسبقک الی رزقک طالب (۳). در واقع روزی هر کس معین و اندازه‌گیری شده و در دیوان الهی به ثبت رسیده است بطوریکه هیچ کس جز دست تقدیر الهی نمی‌تواند آن را کم یا زیاد کند و یا روزی کسی را ببرد. ذکر این نکته لازم است که این تقدیر و تقسیم، منافاتی با کار و تلاش ندارد، بلکه وظیفه مردم است که خود را در راه تحصیل

روزی تلاش کنند، زیرا خداوند خود دستور داده که بندگان در راه تامین زندگی فعالیت کنند و از کار و برنامه‌ریزی کوتاهی نمایند. (صفحه ۱۹) قد تکفل لکم بالرزق و امرتم بالعمل (۴). خداوند ضمانت روزی شما را کرده و شما مأمور به تلاش هستید. صفحه ۱۹.

نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۰۹. نهج البلاغه خطبه‌ی ۹۱. نهج البلاغه قصار ۳۷۹. نهج البلاغه خطبه‌ی ۱۱۴.

تفاوت در روزی

نکته دیگر آنکه، تقسیم روزی یکسان نیست و خداوند بنابر مصالح بندگان و نظام زندگی انسان و اداره‌ی جهان روزی افراد را متفاوت مقرر فرموده است البته کسی از آن مطلع نیست و هیچکس نمی‌تواند بگوید که روزی چه کسی کم یا زیاد است و چه بسا که خود افراد در این زمینه دخیل باشند، زیرا روزی بر دو گونه است: یک نوع آن روزی قطعی است که در هر صورت و در هر شرایط نصیب انسان می‌گردد، ولی نوع دیگر آن بستگی به عوامل دیگر و منجمله تلاش و فکر و برنامه‌ریزی دارد، به این بیان که خداوند مقرر کرده است که انسان با فکر و تلاش و سایر عوامل به اوج قدرت مالی و اقتصادی برسد. در هر صورت، تفاوت در روزی وجود دارد و اگر کمی روزی معلول عوامل اختیاری نباشد قطعاً مقدر آن فرد است و به صلاح و سعاد او خواهد بود و کسی نمی‌تواند آن را کم یا زیاد کند و یا روزی کسی را بخورد. بنابراین، آنکه روزیش کم است باید فکر و تلاش کند و اگر به جایی نرسید نباید مایوس و ناامید شود، شاید دست تقدیر بیش از آن برای او رقم نزده است و بیشتر از آن باعث مشکلات و مصائب مادی و معنوی او خواهد بود. بنابراین فرد خداشناس و موحد از آنچه برای او مقدر شده راضی و خشنود بوده و امورات خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند. و من رضی برزق لله لم یحزن علی مافاتہ (۱). (صفحه ۲۰) انه یخبرهم بالاموال و الاولاد لیتبین الساخط لرزقه (۲). پس باید برای تامین و تحصیل روزی تلاش کرد ولی این را هم باید دانست که هر تلاشی هم مثمرتر نخواهد بود و باعث زیادی روزی نخواهد شد. لیس کل طالب بمرزوق (۳). بعضی تصور می‌کنند، کسانی که روزیشان فراخ و ثروشان زیاد است، حتماً از راه خلاف و نامشروع به دست آورده‌اند، یعنی آدم باایمان ممکن نیست که ثروتمند و پرروزی باشد که البته این از نظر امام صحیح نیست و حتی دستورهایی داریم که باعث زیادی روزی می‌گردد: ۱- الزکاه تسبیباً للرزق (۴) - زکات دادن باعث موجب روزی است. ۲- شارکوا الذی قد اقبل علیہ الرزق (۵) - با آنکس که روزیش فراخ است شریک شوید. ۳- استنزوا الرزق بالصدقه (۶) - روزی را با صدقه بدست آورید. ۴- وقد جعل لله سبحانه الاستغفار سبباً لدرور الرزق (۷) - خدای سبحان استغفار را سبب زیادی روزی قرا داده است. نکته مهم دیگر آنکه، بدست آوردن منال حرام و تحصیل ثروت از راه‌های نامشروع جزء رزق و روزی نیست و کسانی که دست به مال حرام می‌زنند و از آن پروا ندارند، بدانند که روزی حلال الهی را از دست داده و به جای آن مال حرام می‌خورند. (صفحه ۲۱) صفحه ۲۰، ۲۱.

نهج البلاغه قصار ۳۴۹. نهج البلاغه، قصار ۹۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

ابعاد تقوی در نهج البلاغه

(صفحه ۲۳) موضوع بحث ما «ابعاد تقوی در نهج البلاغه» (۱) است. مساله تقوی یکی از واژه‌هایی است که تقریباً بیش از کلمه‌های دیگر در نهج البلاغه به کار رفته است. اگر نهج البلاغه را به ده قسمت تقسیم کنیم، حداقل یک قسمت آن درباره‌ی تقوی، مفهوم تقوی، اوصاف تقوی و صفات متقین بحث شده است، که در این مقاله به بخش کوتاهی از آن می‌پردازیم. آنچه از شنیدن کلمه تقوی در برخورد اول به نظر می‌آید و یا لاقلاً بعضی به نظرشان می‌آید، انزوا و گوشه‌گیری و ترک دنیا و بریدن از فعالیت‌های

اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. البته در تداعی این مفهوم، فرهنگ استعماری و طاغوتی نقش بسزا داشته و احیاناً اسلام‌ناشناسان نادان نیز به این انحراف فکری دامن زده‌اند و برای اینکه روح حرکت و عیان علیه طاغوتها در جوامع اسلامی را بکشند، مفاهیم و عبارات سازنده و حرکت‌آفرین را تحریف کرده و به گونه‌ای ناصحیح معرفی می‌کردند. در حالیکه وقتی به متون اصیل اسلام و منجمله نهج‌البلاغه باز می‌گردیم، می‌بینیم که سرشار از مفاهیم زنده و سازنده است و در همه‌ی ابعاد زندگی مردم، نقش‌آفرین است و می‌تواند آنها را بسازد. موضوع تقوی نیز از این قبیل است. اینکه در چند قسمت به بررسی ابعاد تقوی می‌پردازیم تا گسترش این مفهوم و اثر عملی آن را در جامعه، سیاست و اجتماع ببینیم. در مقدمه قسمتی از نهج‌البلاغه، امیرالمومنین علی (ع) در موقعیت خاصی از تقوی سخن به (صفحه ۲۴) میان آورده است که خود، نکته مهمی است. درست برخلاف تصور آنها که مفاهیم اسلامی را جدا از یکدیگر مطالعه می‌کنند و مخصوصاً مساله تقوی را مثلاً از سیاست و جنگ جدا می‌دانند، در اینجا می‌بینیم امیرالمومنین چه کسانی را در چه موقعیتی وصیت به تقوی می‌کند، آیا احیاناً آن دسته از اصحاب و افرادی را که در گوشه‌ی مسجد و جدا از امر سیاست و سایر شوون جامعه بودند، سفارش به تقوی می‌کند یا خیر؟ این امر نشان‌دهنده‌ی وجود یک رابطه‌ی ارگانیک بین همه مفاهیم اسلامی است و تقوی، جنگ، اقتصاد و اخلاق و مانند آنها حلقه‌های زنجیری هستند که در مجموع، یک جامعه‌ی ایده‌آل انسانی را می‌سازند. در این خطبه می‌خوانیم: و لعمری ما علی من قتال من خالف الحق و خابط الغی من ادهان و لا ایهان فاتقوا الله عباد الله و فروا الی الله من الله. (۲). امام (ع) در جبهه جنگ داخلی علیه منافقین، و نیز در مبارزه و نبرد با دشمنان خارجی می‌فرماید: به جان خود سوگند، در نبرد با مخالفین حق و کسانی که راه باطل و انحراف را می‌روند و نصیحت و ارشاد در آنان موثر نمی‌افتد و آهن سرد وجودشان را نرم نمی‌کند، و با آنهایی که علیه حکومت اسلامی تصمیم به مبارزه گرفته‌اند و مبارزه مسلحانه و قهرآمیز را برنامه‌ی خویش قرار داده‌اند، هیچ گونه مسامحه و سستی نشان نمی‌دهم. ملاحظه کنید که امام در چنین موقعیت حساسی، خطاب به مسلمانان می‌فرماید: رسالتی که به دوش شما رزمندگان گذارده شده، تقوا و پرهیزگاری است، که مفهوم تقوی را خود امام علیه‌السلام در سخنانش بیان می‌فرماید: (صفحه ۲۵) منظور از این مقدمه، آن است که تا آنجا که میسر است مفهوم تقوی را روشن کنیم و خاطر نشان سازیم که امام، تقوی را در میدان جنگ و هنگام رویارویی با دشمن داخلی و خارجی مطرح می‌کند، از این میان رابطه‌ی تقوی با زنده‌ترین و حساس‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی در این موقعیت خاص، بخوبی معلوم می‌شود. بخش دیگر از سخن ما، بررسی تقوی از نظر فعل خارجی و خصلت و خوی انسانی است. در اینجا سوال این است که آیا تقوی، تنها ترگ گناه است، یعنی فقط به عنوان یک عمل خارجی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، یا یک مشخصه‌ی روحی است و اعمال خیر، نشأت گرفته از آن حالت متعالی روحی است؟ امام (ع) می‌فرماید: تقوی یک خصلت روحی و یک تربیت معنوی است که در پرتو آن، جان انسان، ساخته و پرداخته می‌شود و او نه تنها در برابر گناه و معصیت، حالت ترک و نفی به خود می‌گیرد، بلکه آزرده‌خاطر هم می‌شود و از اطاعت و پاکی و عمل خیر، احساس رضایت و آرامش خاطر می‌کند. شخص متقی کسی است که در اثر یک سلسله برنامه‌ها، روح خود را آنچنان بسازد که در برابر گناه مصونیت بیابد و روحاً از مخالفت با احکام الهی متنفر و منزجر باشد و ندای پرهیز و اجتناب از گناه، از درون او فریاد کند و به تعبیر دیگر، تقوی، روح او را چنان عالی و لطیف بگرداند که از تصور گناه نیز رنج برد و گریزان باشد. لذا امام علیه‌السلام تقوی را به خانه‌ای تشبیه کرده است که انسان را از هر خطری حفظ می‌کند، یعنی همانگونه که وقتی انسان به خانه‌ای وارد شود، از دشمن در امان است و با خیال راحت در آن محل امن زندگی می‌کند، تقوی نیز حصار محکم نگهدارنده‌ای است که اگر در وجود کسی پیدا بشود، دیگر از خطر انحراف و مفاسد اخلاقی در امان است. اعلموا عباد الله ان التقوی دار حصن عزیز، و الفجور دار حصن (صفحه ۲۶) ذلیل. (۳). ای بندگان خدا! بدانید که تقوی، خانه محکم و امنی است که از نظر حفاظت کاملاً حساب شده است، کسی که در این خانه زندگی کند از هیچ دشمنی نگرانی ندارد. خانه‌ی تقوی انسان را از شر نفس اماره و کلیه‌ی اغواگران انسی و جنی حفظ می‌کند، در مقابل تقوی، فجور

است، یعنی کسی که آن حالت دفاعی روحی را در خود ایجاد نکرده و در خانه دل را به روی اغیار باز گذارده باشد و هر کس و ناکسی را به درون آن راه بدهد، بدیهی است که چه بر سر او می‌آید و چه نشانی از انسانیت و پاکی در او باقی خواهد ماند! باز در خطبه‌ی دیگر، از تقوی به عنوان کلید رمز نام برده شده است، یعنی شما اگر بخواهید وارد خانه‌ای بشوید که در آهنی داشته باشد، هر چه تلاش کنید، آن در به رویتان باز نمی‌شود، اما با یک کلید کوچک به راحتی قفل‌های قوی و رمزدار باز می‌گردد. تقوی چنین است. انسانی که در جستجوی سعادت و کمال است و راه مستقیم هدایت را می‌جوید، باید از راه تقوی وارد شود: فان تقوی الله مفتاح سداد و ذخیره معاد و عتق من کل ملکه و نجاه من کل هلكه (۴). عنایت روی شمول و گسترش مفهوم تقوی است. یعنی کسی که این جنبه‌ی دفاعی را در روح و جان خود بوجود آورد، نسبت به همه‌ی انحراف‌ها و لغزش‌ها مصونیت پیدا می‌کند، چون حالت دفاعی کلی الهی، بر جان او حکمفرما شده، همه‌ی منفذها و کانال‌های ارتباطی به دست محافظین نیرومند معنوی قرار خواهد گرفت. تقوی کلید هدایت، ذخیره‌ی معاد و وسیله‌ی آزادی انسان از هر بندگی است، کسی که دارای تقوی است در برابر شهوات به زانو در نمی‌آید، در (صفحه ۲۷) برابر مقام و دیگر تمایلات نفسانی، تسلیم نمی‌شود، از هر هلاکتی در امان است، این بخش دوم از ابعاد تقوی. نکته‌ی دیگری که در اینجا باید اضافه شود، این است که مساله تقوی با تفکر و جهان‌بینی صحیح، معنی تمام و کامل خود را پیدا می‌کند. اینطور نیست که انسان بتواند در پرتو تنهاییک سلسله اعما بریده از تفکر و جهان‌بینی صحیح، دارای آن پوشش دفاعی معنوی (تقوی) باشد، بلکه افراد متقی در مرحله‌ی نخست، تفکر صحیح و جهان‌بینی عمیقی دارند که پوشش دفاعی معین را برای آنان بوجود می‌آورد. در خطبه‌ی «همام» می‌خوانیم: عظم الخالق فی انفسهم، فصغر ما دونه فی اعینهم (۵). این خطبه که درباره‌ی صفات متقین است، نشان می‌دهد که یکی از ریشه‌های تقوی، این اصل است که: «آفریدگار در دیده‌ی آنان عظیم است». چه کسی می‌تواند در برابر امواج خروشان شهوت و غضب و حب جاه، مانند کوه بایستد؟ روشن است، کسی که به عظمتی متصل و مربوط باشد، که دل را مطمئن گرداند، در غیر اینصورت، نمی‌تواند مقاومت کند. چه کسی می‌تواند در برابر هزاران تمنا و هوس دلفریب، دینش را نبازد؟ آن کسی که به عظمت الهی متصل باشد. مصداق اتم آن در زمان معاصر امام بزرگوارمان بود. ایشان وقتی رئیس‌جمهوری معزول و فراری را نصیحت می‌کردند، گفتند: آقای فلانی، ریاست‌جمهوری چیزی نیست!! مثل پدری که فرزندش را نصیحت می‌کند و او را از خاک‌بازی باز می‌دارد. چه کسی می‌تواند اینگونه قاطع حرف بزند؟ کسی که بستگی به عظمت خدا داشته و عظمت الهی، وجودش را پر کرده (صفحه ۲۸) باشد، در غیر اینصورت، انسان سقوط خواهد کرد. فرد باتقوی، این عظمت را می‌بیند و بدان متصل می‌گردد و چون نور این عظمت را والا-تر و روحبخش‌تر از هر نوری است می‌بیند، نورهای ضعیف در مقابل او ارزش و بهای خود را از دست می‌دهند، همانطور که یک شمع در برابر خورشید چیزی به حساب نمی‌آید. باز در خطبه دیگر می‌فرماید: فاتقوا الله الذی اتم بعینه و نواصیکم بیده و تقلبکم فی قبضته (۶). ببینید امیرالمومنین علی علیه‌السلام، انسان را به کجا می‌برد و چگونه او را تربیت می‌کند و چه دیدگاه‌های عظیم و وسیعی را به او نشان می‌دهد: تقوی پیشه کنید و از خدا پروا کنید، آن خدایی که شما زیر نظر او و در پرتو عنایت او زنده هستید و موی پیشانی و مرکز حرکت شما به دست اوست. بنابر سخن دیگر آن حضرت در دعای کمیل: و لا یمكن الفرار من حکومتك. کجا می‌روید که زیر پوشش عنایت ازلی نباشید؟ آیا ممکن است انسان از حکومت و حاکمیت خدا فرار کند؟ گردش و حرکت شما در قبضه‌ی قدرت و اراده‌ی اوست. امام با این دیدگاه وسیع، انسان را متصل به ابدیت و قدرت بی‌نهایت خدا می‌کند و می‌فرماید: ای انسان تو وابسته به خدا هستی. به کوچکی و ضعف خود نگاه مکن و از کوه مشکلات و انبوه دشمنان و فراوانی امکانات مخالفین نه‌راس، چرا؟ چون هر کس تقوی پیشه کند، بمانند آن نهر کوچکی است که به دریا متصل شده و دریا می‌شود. ای مردم باتقوی، هنگامی که همه‌ی (صفحه ۲۹) دریچه‌های مادی به سوی شما بسته شده و همه دشمنان با هم علیه شما متحد شده‌اند، خداوند راه نجات و خروج برایتان قرار می‌دهد و در هنگامه‌ی تاریکی‌ها برای شما نور می‌آفریند. واعلموا انه من یتق الله یجعل له مخرجا من الفتن و نورا من الظلم (۷). این نور از

کجاست؟ این ارشادات و اشراقات الهی است که بر این مردم می‌تابد و آنها از میان این کوره راه‌ها و معضلات، راه مستقیم را پیدا می‌کنند. صفحه ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹. بعد اجتماعی و سیاسی تقوا

----- خلاصه سخنرانی حجه الاسلام والمسلمین سید جمال‌الدین دین‌پرور در دومین کنگره بین‌المللی نهج‌البلاغه - تهران. نهج‌البلاغه خطبه ۲۴. نهج‌البلاغه خطبه ۱۵۶. نهج‌البلاغه خطبه ۲۲۱. نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۱۸۴. نهج‌البلاغه خطبه ۱۸۴. نهج‌البلاغه خطبه ۱۸۲.

بعد اجتماعی و سیاسی تقوا

بخش دوم، بعد اجتماعی و سیاسی تقوا و در واقع پذیرفتن مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی است که از تقوی برمی‌خیزد و فرد متقی در حالیکه در اوج تقوی و در اوج خودسازی است، باید در اوج فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی باشد. آنها که به بهانه‌ی تقوی و زهد از جامعه کنار می‌کشند و در فعالیت‌های عمومی شرکت نمی‌کنند، باید جواب امام امیرالمومنین (ع) را بدهند. باز در خطبه‌ی همام که از تقوی و متقین سخن می‌گوید و نشانه‌های آنها را بر می‌شمارد، می‌فرماید: فمن علامه احدهم انک تری له قوه فی دین و حزما فی لین و ایمانا فی یقین و حرصا فی علم و علما فی حلم و صبرا فی شده. (۱). فرد باتقوا کسی است که علاوه بر جنبه‌های عبادی و شب‌زنده‌داریها و خودسازیها، نیرومندی در دین و صبر در شدائد دارد. آیا کسی که کنج عزلت گزیده و در گوشه‌ای به عبادت نشسته و دور از سیاست به مطالعه پرداخته، شدتی برای او هست و صبری لازم دارد؟ هرگز، ابرقدرتها و توطئه‌گران با (صفحه ۳۰) کسانی که تنها مطالعه می‌کنند کاری ندارند: شما ده سال در گوشه‌ی کتابخانه‌ای در یک زمینه‌ی علمی تحقیق کنید، هیچکس با شما کاری ندارد اما اگر بخواهید نتیجه‌ی این تحقیق را در جامعه پیاده کنید، آن وقت، مشکلات، خود را نشان می‌دهند و باید با سرپنجه‌ی صبر و تدبیر آن را به پیش برید. فرد باتقوی از زیر بار مسئولیتهای و کارهای حساس، شانه خالی نمی‌کند، او مشتاقانه می‌پذیرد و سختیها و مشکلاتش را هموار می‌کند. شما ببینید اسوه و نمونه کامل عصر خودمان، امام امت را که در سن هشتاد و چند سالگی، چگونه مملکت، بلکه دنیا را زیر نظر دارد و برنامه می‌دهد و دنبال می‌کند و با همه‌ی سختیها و فشارها، ذره‌ای یاس و ضعف به خود راه نمی‌دهد. این نمونه‌ی فرد باتقوی است، پس هر کس تقوایش بیشتر است، باید در برابر مشکلات اجتماعی، صبورتر باشد: «فی الزلازل و قور»، در سختی‌ها و مشکلات جانکاه، چون کوه استوار است و با استقامتی که از پایگاه تقوی الهام می‌گیرد، بر مشکلات پیروز می‌گردد. مگر امام و ملت نمی‌دانستند که این انقلاب بنیادین به سادگی به هدف نمی‌رسد؟ بنابراین با توجه به عظمت هدف، کوه توطئه‌ها و دشمنی‌ها را هم می‌دیدند. امام بزرگوار در همان سال ۴۲ که در مسجد اعظم قم سخنرانی فرمود، درست به خاطر دارم و طنین صدای او در گوشم هست که می‌فرمود: اگر این انقلاب، صد هزار کشته هم بدهد، جا دارد تا از اسلام دفاع شود. قسمت دیگر بحثم در رابطه با عبادت و تقوی است. فرد باتقوی، علاوه بر مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی و ابعاد مختلفی که بدان اشاره شد، بعد مهم دیگری را نیز دارد و آن حالت نیایش و عرفانی است که او را به ملکوت اعلی می‌برد و احساس محبت الهی را به او می‌دهد. بعد خاص انسان، بعد (صفحه ۳۱) عبادی او است. فرد باتقوی، علاوه بر خودسازی و ترک گناه، یک جنبه دیگری باید داشته باشد که راز و نیاز با خداست. جمله‌ای از استاد شهید «آیت‌الله مطهری» نقل می‌کنم. ایشان در جلسه تفسیر قرآن می‌فرمود که مسلمان واقعی، بدون عبادت و نیایش، مخصوصا شب‌زنده‌داری و نماز شب، تحقق نمی‌یابد. اگر مسلمان، چند دقیقه پیش از اذان صبح از خواب برنخیزد و با خدا راز و نیاز نکند و نماز شب نخواند و از خوب و خشیت الهی، اشک بر گونه‌هایش جاری نشود، او نمی‌تواند یک مسلمان کامل باشد. این حالت عبادی و عرفانی به اندازه‌ای ضرورت دارد که جا داشت از واجبات باشد، اما خداوند برای اینکه تکلیفی شاق بر امت اضافه نشود و آنها به زحمت نیفتند، واجب نکرد، به تعبیر علمی، اقتضای وجود دارد ولی مانعی هم در کار بود. فرد باتقوی در کنار کلیه‌ی مسئولیتهای اعم از اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، باید

بیداری شب و راز و نیاز با خدا را فراموش نکند. امام (ع) در همان خطبه همام می‌فرماید: اما اللیل فصافون اقدامهم تالین لاجزاء القرآن... (۲). پرواپیشگان هنگامیکه شب فرا می‌رسد آماده عبادت و ورود به دریای نور و جهان وجد و سرور معنوی می‌گردند. مگر می‌شود فرد باتقوی در خواب فرو رود و از حضور در محضر محبوب، بهانه آورد؟ مگر می‌شود عاشق شیدای دلخسته خوابش ببرد و از وصل معشوق غفلت کند؟ آری، متقین، شب را در برابر خدا به نماز می‌ایستند، قرآن را باز می‌کنند، آیات نورانی قرآن را با عشق و شور می‌خوانند، گویا همه‌ی وجودشان، آیات خدا را زمزمه می‌کند و از هر سلولی، ندای انا العبد به گوش اهل دل می‌رسد. (صفحه ۳۲) فاذا مروا بآیه فیها تشویق رکعوا الیها طمعا. (۳). وقتی آیات تشویق را می‌خوانند یا می‌شنوند گویا دارند حقایق و وعده‌های الهی را می‌بینند و آنگاه که به آیه عذاب می‌رسند، گوش‌های دلشان باز می‌شود: اصغوا الیها مسامع قلوبهم نمی‌گویند آن حضرت خوب گفته است، نه، این حقایق و علوم را با جانشان لمس می‌کنند، گویا دارند این عذابها را می‌بینند و احساس می‌کنند. اینقدر برایشان یقینی شده است: فهم حانون علی اوساطهم مفترشون لجباهم و اکفهم و رکبهم و اطراف اقدامهم یطلبون الی الله تعالی فی فکاف رقابهم (۴). ببینید چگونه دارند راز و نیاز می‌کنند، این افراد باتقوی قامتشان را خم می‌کنند، چهره‌های خود را بر خاک می‌سایند و دستها و زانوهای خود را در برابر خدا بر خاک می‌گذارند. از خدا چه می‌خواهند؟ از خدا می‌خواهند که جانهایشان را آزاد کند. این را علی (ع) می‌گوید، همان علی (ع) که در نخلستانهای کوفه هنوز صدای گریه و مناجاتش به گوش هوش می‌رسد، هنوز شهر کوفه آن صدای ملکوتی را چون زنگ در گوش دارد. پایان صفحه ۳۰، ۳۱، ۳۲. -----

----- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۸۴. نهج البلاغه
خطبه ۱۸۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴. نهج البلاغه خطبه ۱۸۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در

سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دالود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شب: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

